

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد شعیب هوشدار
فرستنده: نجیب ثاقب
۰۴ جنوری ۲۰۲۳

مقاومت مدنی، مقاومت فرا مدنی، مبارزات مدنی

اوضاع فعلی وطن ایجاب تعمق بر این مسأله را جدی تر ساخته است که حالا چطور شود...؟ چه کاری باید کرد و چه کاری قابل اجراء خواهد بود و آیا فرصت و مجال به عمل آوردنش را خواهد داشت...؟

مردم و به خصوص در رأس آن زنان برومند و شجاع وطن در برابر پرسش های جدی قرار گرفته اند که شاید دیروز ها، اصلاً طرح آن، حدس هم زده نمی شد ولی امروز به گمان اغلب، راه و طریق نجات و از بند و قلاده کشیدن زنان شریف و قهرمان کشور یکی از اساسی ترین پرسش ها خواهد بود. بدانیم که بسیاری از عزیزان هموطن در مباحث و برداشت های شان فقط تا حد شرح گریه آلود اوضاع، بیانات غضب آلود و بیشتر به داو و دشنام بسنده می کنند و درنهایت از "خارجی ها" – شاید از همان هائی که طراحان اصلی و مدیران مخوف این فاجعه اند – توقع تغییر در اوضاع و گرفتن جلو این گروه "غیر قابل کنترل...!!!" را می نمایند

ادعای این که بتوان طرح کامل و منطبق به اوضاع کنونی را جهت تحول وضعیت پیشکش نمود پرمدعائی بیش نخواهد بود، ولی با اتکاء به دانش و تجارب گذشته جوامع متنوع انسانی می شود، مواردی را به بحث گذاشت و تعاریفی از طرز کار در برابر اوضاع شبیه، اوضاع کنونی وطن ما بحث نمود، این که حالا چطور شود و به چه روش ها و طرز کار مقاومتی متوسل شد:

پاسخ بسیاری در برابر اوضاع کنونی متوسل شدن به "مقاومت مدنی" بوده است، باید دید که مقاومت مدنی چگونه مقاومتی است و در چه حالات و شرایط می تواند به کار برود و تا چه حدی می تواند منتج به نتایج مطلوب گردد؛ مقاومت مدنی معمولاً زمانی به عمل می آید که حاکمیتی، بر حوزه حقوقی مدنی و انسانی مسلم و قطعی جامعه یورش ببرد و جامعه این یورش را نپذیرفته آن را طرد و رد نماید و این "طرد و رد" یورش حاکمیت با دست زدن به رویه ها و فعالیت های خلاف آن یورش افاده گردد و جامعه با توسل به رویه های اعتراض آمیز مدنی دست به مقاومت بزند، این واکنش به "نافرمانی مدنی" نیز معروف است.

این مقاومت می تواند انواع متنوع - از جمله انواع آتی رابه خود بگیرد: تظاهرات، اعتصابات، شرکت نکردن عمدی در فعالیت های متوقعه حاکمیت و یا سهم گیری در اعمالی که حاکمیت منع آن را صادر کرده است، تبلیغ و اشاعه

خلاف تصامیم خلاف عرصه های مدنی جامعه و... مقاومت مدنی را به چند شیوه مشخص نمی توان محدود نمود هر وضعیت و موقعیتی شاید نیازمند به اتخاذ یک رویه خاص مقاومت مدنی باشد.

سوال عمده ای که در این خلال به آن مواجه خواهیم شد این که حق و اجازه چنین مقاومتی را از کجا و کدام منبع کسب خواهند کرد...؟؟ در جوامع متمدن و باورمند به حقوق انسانی این حق مقاومت مدنی متکی به متون قوانینی می باشد که در آن جامعه موجود و نافذ است. استناد و استدلال به همین قوانین، چنین مقاومتی را موجه و بحق تثبیت خواهد کرد.

در کشور ها و جوامعی که چنین ارزش ها و اصولی بنابر تمایلات ایدئولوژیک، سیاسی حاکمیت باطل اعلام شده باشد. اسناد معتبر حقوق بشری - شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های بین المللی، بالخصوص میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق های حوزه های خاص - متکای حقوقی این مقاومت ها شناخته می شود. بدون شک با استفاده از این منبع جهت ایفای یک مقاومت مدنی شاید مستلزم ریسک و خطری هم باشد، چه حاکمیت های ظالم، دکتاتور و منکر حقوق اساسی مدنی و سیاسی انسان ها، به حذف حق متوسل شدن به مقاومت مدنی مصمم می باشند بنابراین حتی وجود ارزش های مندرج اسناد حقوق بشری را نیز با پرویی نادیده گرفته و بر معترضان حمله ور می شوند مثال های این رویه را همه می دانند و نیازی به یادآوری آن دیده نمی شود. تاریخ مقاومت های مدنی گواه است که اقدام به مقاومت مدنی - در فقدان قوانین حمایتی از مقاومتگران مدنی - قربانی و گاهی بهای گرانی را در قبال خویش داشته است.

تا حال بحث در باره "مقاومت مدنی" بود، حال می بینیم که "مبارزات مدنی" چه نوع مبارزاتی اند؛ مبارزات مدنی شکلی از مبارزه اجتماعی است که ممکن است از این شکل مبارزه جهت وارد کردن فشار بر حاکمیت به منظور تحقق هر هدفی استفاده به عمل آید. اما عرصه های خاص به کار گیری این نوع مساعی این خواهد بود که به منظور وادار کردن حاکمیت به قبول یک حق مسلم مدنی شهروندان و یا بخشی از شهروندان صورت گیرد که در بخشی از فعالیت و یا تصامیم حاکمیت آن حق نقض و حذف شده باشد و مردم برای وارد کردن فشار و اعاده حق مورد ادعا، از نوعی مبارزه مدنی استفاده نمایند و دست به مبارزات مدنی بزنند در حالت دیگر اگر حقی در قوانین صراحت نداشته و مردم خواهان درج و قبولی آن در قوانین و انفاذ آن در زندگی عادی و کاری توقع برده شود. این تلاش ها، تلاش های مدنی و مبارزات مدنی است که برای تحقق یک امر جدید مدنی در زندگی عادی شهروندان به عمل می آید.

غالباً مبارزات مدنی ماهیت یک مبارزه قانونی را داشته و در جوامع قانون مدار، از آن بیشتر استفاده می شود. مبارزات مدنی روشی است که در مسیر نوسازی زندگی مدنی و سیاسی کشور های عقب نگه داشته شده، بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد تا حاکمیت های بسته و واپس گرا را ناگزیر به قبولی تحولات جدی در متن قوانین و زندگی مدنی افراد یا شهروندان، ناگزیر سازد.

مقاومت مدنی و مبارزات مدنی به دلیل این که حالت مسالمت و نرم داشته و به دور از خشونت و ستیز تلقی می شود، حتی از آن درنظام های مستبد از سوی گروه ها مورد استفاده قرار می گیرد و قبل از اجرای آن به حاکمیت اطمینان داده می شود که مقاومت و مبارزه مدنی مورد نظر، کاملاً آرام و به دور از هر نوع نا آرامی به عمل می آید و صرفاً هدف محدود مدنی داشته به مخالفت و اعتراض بر قدرت و سیاست به عمل نمی آورد و تنها مقصد برآورده شدن همان اهداف مدنی را دارد. ولی نظام های مستبد حتی با کوچک ترین صدا بلند کردن که ماهیت اعتراضی داشته باشد، مخالفت می کنند، نمونه های آن را همین اکنون در منطقه و کشور ما در برابر چشمان خود داریم.

مطلب دیگر این مقالت به مقاومت ها و مبارزات فرا مدنی متعلق است؛ این نوع مقاومت ها و مبارزات از نگاه قوانین داخلی و گاهی از نظر میثاق ها زیاد توجیه پذیر نخواهند بود، ولی به عمل آوردن آن را به اصول و ضابطه های نظیر "روش های معمول تحولات اجتماعی و سیاسی" حواله می دهند که ناگزیر از این مسیر عبور خواهد کرد و یا اصل "دفاع

مشروع" که به مظلوم حق دفاع از حقوق و خودش را قایل است، فقدان طرق دیگر ابراز اعتراض خود استفاده از شیوه های فرامدنی را "معمول" معرفی می کند تا گروه های انسانی در شرایط لازم از "ابزار مؤثر" در دفاع از حیات و موجودیت شان حمایت و حفاظت کنند، این ابزار مؤثر تعریف نشده است اما بدون تردید واکنش ها و عکس العمل های "فرا مدنی" را شامل می باشد

اقدامات فرامدنی همانطور که به رویت قوانین و اسناد بین المللی بعضاً توجیه پذیر نمی باشد، بیشتر در جوامع بسته، مختنق و دارای حاکمیت های دکتاتور و قدرتگرا "اتوریتر" منطقاً توجیه پذیر می شوند. وقتی حاکمیت همه راه ها برای احقاق حق شهروندان را ببندد، این حاکی از آن است که حاکمیت مستبد راه "جنگ و ستیز" را برگزیده است، وقتی حاکمیت در برابر تعمیل حقوق اساسی مردم سد سرکوب و زورگویی را قرار بدهد، این خود اعلان جنگی است با شهروندان، پس چنین وضعیتی توسل به طریق فرا مدنی و فراقانونی را "مشروع پذیر" خواهد ساخت. شیوه های مقاومت فرا مدنی نیز محدود نیست از ایجاد اختلال در اجرای اقدامات حاکمیت در به بند کشیدن امور عادی شهروندان گرفته و یا بستن و بند نمودن راه ها به خاطر ایجاد مشکل در راه اقدامات حاکمیت، تحریک و تشویق کارمندان به نافرمانی های مدنی و اجرای نامتناسب امور، تشویق جناح های متجدد حاکمیت به تأکید بر نظرات تجدد خواهانه شان، حد هک نمودن جریان های دیجیتالی حاکمیت و... تا متوسل شدن به شیوه های گرم مجادله و دفاع مسلحانه را در بر خواهد داشت. تجارب کشور های همسایه حاکی از آن است که علی رغم ممنوعیت کامل مقاومت مدنی، شب ها با استفاده از ظلمت شب راهپیمایی در کوچه ها و شعار دادن ها در تاریکی شب از بام های منازل و نوشتن شعار های دیواری و مثلاً بستن و بند کردن بازار ها و دعوت از کارگران مؤسسات تولیدی، جهت اعتصاب های گسترده و پشتیبانی از مقاومت مدنی اکثریت و...

به خاطر ما است که در سه حوت ۱۳۵۸ هجری شمسی در سر تا سر افغانستان به خاطر اشغال روسها مردم در بام های منازل شان بالا شده و شعار "الله اکبر" را سر دادند.

به کار گیری نوع مقاومت و مبارزه فرامدنی، ریسک و خطر خیلی ها بلند را حاوی خواهد بود، اگر با فهم و تشخیص ماهرانه و حرفه ئی به اجراء گذاشته نشود؛ ماهرانه و حرفه ئی به معنای ترتیب و داشتن یک پلان منظم، برای ایفای یک رویه مقاومت فرامدنی، محاسبه برد و باخت آن، منظور و هدفی که عمل فرامدنی باید دنبال کند و نتیجه ای که باید از آن به دست آید، کمترین قربانی و بیشترین دستاورد را به دنبال داشته باشد و... عناصر و اجزای تکمیل کننده این طرح مقاومت فرا مدنی را شامل می باشد.

تحول تلاش های مدنی به فرامدنی، ماهیت اهداف این تلاش ها را نیز دگرگون خواهد ساخت، یعنی این تلاش های فرا مدنی به یک مبارزه تحمیلی سیاسی و شاید ایدئولوژیک دگرگون شود زیرا مقصد تلاش های فرامدنی به عاطل نمودن نیرو های حاکمیت که این اوضاع غیر مدنی و مختنق را برقرار کرده اند خواهد بود به این ترتیب هدف تلاش های فرا مدنی از به دست آوردن آزادی های اساسی و اعاده حقوق اساسی مردم، به عاطل نمودن فعالیت بخشی از نیرو های حاکمیت دکتاتور تحول و تکامل خواهد کرد و این اهداف اخیر نمی توانند صرفاً مدنی باشد.

ایستائی و پافشاری حاکمیت بر مواضع ضد حقوق عمومی شهروندان، نیز زمینه دگرگونی اهداف تلاش ها و ماهیت آن را فراهم خواهد ساخت، نیرو های عقب گرا، دنیای کنونی را با تغییرات عمیقی که در آن پدید آمده است نمی شناسند، به همین جهت کنش ها و واکنش های خود را نمی توانند تحت دانش امروزی عیار و از عواقب آن - که عکس نیت حاکمیت بروز خواهد کرد- جلو گیری کنند. استبداد و ظلم، خود سازنده و عنصر تغییر دهی ماهیت تلاش ها از مدنی به فرا مدنی و ایدئولوژیک و سیاسی خواهد گردید.

بر می گردیم ببینیم که اتخاذ اقدامات ظاهراً عقب گرایانه حاکمیت صرفاً یک عمل ارتجاعی است...؟

این حاکمیت با زرنگی خاص استخبارات منطقه و فرا منطقه اقدامات جنگی اش را در لفافه به ظاهر عمل ضد مدنی می پوشاند، حاکمیت، دانش و علم را به مثابه "حربه یا اسلحه" دسته بندی کرده است و می خواهد نفوس بیش از ۵۰ پنجاه درصد کشور (زنان شجاع وطن) را از حوزه دانش و علم "خلع سلاح" کند، این اقدام یک اقدام جنگی است و نمی تواند در کدر یک اقدام مدنی توصیف شود. به این صورت محلی برای مؤثر بودن استفاده از مقاومت های مدنی را نگذاشته است، در برابر چنین حالتی تلاش های مدنی بی اثر شده اند همانطور که بی اثر بوده اند.

گوشه با اهمیت کاربرد مقاومت فرامدنی یا مبارزه فرا مدنی این است که ضربات آن بر پهلوی های تأثیر پذیر طراحان فاجعه وارد آید تا از عواقب ناگوار اجرای این طرح خویش آگاه شوند و یا لاقلاً قسماً بهای پیامد این فاجعه آفرینی خود را بدانند.

پس شاید توسل به مقاومت های مدنی و فرا مدنی در برابر طراحان این فاجعه نیاز به تطبیق داشته باشد، میلیون ها انسان سرزمین سرکوب شده در تمام دنیا پراکنده گشته اند، ورازت های خارجه، سفارت خانه های آنها، قونسلگری های شان، و افرادی که در اجرای مستقیم طرح این فاجعه نقش داشته اند، می توانند محل تجمع، تظاهرات، اعتصابات، تحصن و... ترجیح داده شوند.

ملت این کشور به خاطر داشته باشد که طراحان فاجعه، به ارزش میلیارد ها دالر تسلیحات پیشرفته به دسترس این حاکمیت خونخوار قرار داده و این حاکمان بی عاطفه تا دندان مسلح اند و نیز روز تا روز از راه ایجاد مدارس مخصوص به خودشان سرباز گیری و سر باز سازی را بشدت به راه انداخته اند باید دانست که تعلل در عکس العمل و اتخاذ راه های مجادله با این هیولای عجیب ساخت استخبارات، کار را هر چه بیشتر سخت و سخت تر خواهد ساخت. هفته وار ۴۲ میلیون دالر به این حاکمیت پول فرستاده می شود، پس هر چه ادعا های به ظاهر نارضایتی دولت دوتر از حاکمیت موجود در افغانستان یک دورغ و یک تمثیل ناکام و خنده آور است.

مردم افغانستان چاره ای ندارند جز آن که با مشت شان علیه این دَروش خونریز به ستیز بپردازند.

ایرانی می گفت «بالاخره "خون" بر شمشیر پیروز خواهد شد.»

ما باید عادت کنیم تا ریسک قربانی های لازم، با ثمر و با نتیجه را بر گردن بگیریم، هیچ ملتی بدون قربانی به آزادی کامل دست نیافته است.

به خاطر باید داشت که تنظیمی های دیروزی و امروزی - از هر نسلی که باشد - به شمول حاکمان دیروزی و فاسد، فاقد کیفیت و توانائی سازماندهی و به راه اندازی مقاومت های مدنی و فرامدنی خواهند بود.

مردم ما می گویند، زمین سخت و آسمان بلند ... دگر راهی باقی نمی ماند، پرنده ای که در قفس را برای همیشه بسته بیابد، خود را در میله های قفس خواهد زد و فعلاً اوضاع به همین روال در چرخش است.

پایان